

تأثیر آموزش فلسفه کودک بر مهارت‌های اجتماعی در دانش‌آموزان دوره اول متوسطه

پریناز بنیسی^۱

دکتر حسن شمس اسفندآباد^۲

دکتر سوزان امامی‌پور^۳

چکیده

این پژوهش با هدف تعیین تأثیر آموزش فلسفه بر مهارت‌های اجتماعی در دانش‌آموزان دوره اول متوسطه انجام شد. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها به صورت نیمه آزمایشی، از نوع پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان دوره اول متوسطه منطقه ۳ تهران در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ بود (N=۶۵۰۰). حجم نمونه ۳۰ نفر در نظر گرفته شد و برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی استفاده شد. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی ماتسون (۱۹۸۳) دارای ۵۶ سوال و ابعاد مهارت‌های اجتماعی مناسب، رفتارهای غیراجتماعی، پرخاشگری و رفتارهای تکانشی، برتری طلبی و اطمینان زیاد به خود داشتن، رابطه با همسالان و برگزاری دوره آموزشی فلسفه برای کودکان برای گروه آزمایش به مدت ۱۳ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای، بر اساس «طرح درس‌های فلسفه برای کودکان» مایکل باروز بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل کوواریانس استفاده شد. نتایج به دست آمده نشان داد که آموزش فلسفه بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دوره اول متوسطه تأثیر دارد. بطوریکه موجب بهبود سطح مهارت‌های اجتماعی با اندازه اثر ۷۵ شده است.

واژگان کلیدی: آموزش فلسفه، مهارت‌های اجتماعی.

^۱دانش‌آموخته دکتری روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه، ساوه، ایران

^۲دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه بین‌المللی قزوین، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)

^۳دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، تهران، ایران

دانش‌آموزان امروز که آینده‌سازان فردا هستند، در جهانی بسیار پیچیده و مملو از پویایی زندگی می‌کنند. جهانی که در آن، همه امور زندگی تحت تاثیر فناوری قرار گرفته و لازم است تا افراد یک جامعه، به مهارت‌های مختلفی جهت پذیرش تغییرات مزین گردند. اجتماعی شدن فرایندی است که در آن هنجارها، مهارت‌ها، انگیزه‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای فرد شکل می‌گیرد تا ایفای نقش کنونی یا آتی او در جامعه مناسب و مطلوب شناخته شود. در این فرایند، اکتساب و به کارگیری مهارت‌های اجتماعی و چگونگی برقراری ارتباط و تعامل با دیگران، یکی از مولفه‌های اصلی رشد اجتماعی به خصوص در بین کودکان و نوجوانان محسوب می‌شود (به‌پژوه، ۱۳۸۶). مهارت‌های اجتماعی، مجموعه مهارت‌هایی است که سازگاری افراد با زندگی اجتماعی را تسهیل می‌کند و دوستی و تایید اجتماعی فرد را بهبود می‌بخشد (اوزوکو،^۱ ۲۰۱۷). به عبارتی کلی‌تر، مهارت‌های اجتماعی توانایی برقراری روابط بین فردی با دیگران است به نحوی که از نظر جامعه قابل قبول، ارزشمند، منطبق بر عرف و در عین حال برای شخص، خانواده و جامعه سودمند بوده و بهره‌های دوجانبه داشته باشند. یکی از نشانه‌های سلامت روانی و اجتماعی، وجود همین ارتباطات اجتماعی است. داشتن چنین روابط گرم و صمیمی با انسان‌های دیگر منبع ایمنی، اعتماد، راحتی و آسایش هر انسان، سازمان و جامعه‌ای است. مهارت‌های اجتماعی یادگرفتنی هستند، شامل رفتارهای کلامی و غیرکلامی اند با قصد، نیت، واکنش‌ها و پاسخ‌های متناسب همراه اند، مستلزم زمان متناسب و کنترل رفتارهای خاص می‌باشند، متأثر از عوامل محیطی هستند، تقویت‌های اجتماعی دیگران را به حداکثر می‌رسانند (هارجی،^۲ ترجمه بیگی، ۱۳۸۹).

مهارت‌های اجتماعی دربرگیرنده مهارت‌هایی همچون آغاز و حفظ تعاملات اجتماعی، مهارت‌های رهبری و توانایی تنظیم محدودیت‌ها با همسالان، توجه به منافع و مزایای دیگران در تعاملات اجتماعی است و نقص در مهارت‌های اجتماعی منجر به عدم رضایت از همسالان و قربانی شدن در روابط می‌گردد (گروت،^۳ ۲۰۱۷). بر اساس تحقیقات انجام شده بسیاری از دانش‌آموزان مهارت‌های اجتماعی مناسب را کسب ننموده و این امر منجر به توسعه مشکلات روانشناختی نظیر برقراری ارتباطات ناموفق با هم‌تایان، عملکرد نامناسب تحصیلی، عدم شرکت در فعالیت‌های جانبی و انزوا، طرد شدن توسط هم‌تایان، اضطراب، افسردگی و عصبانیت در دوران کودکی و سنین بالاتر خواهد شد و در واقع، تبعات و پیامدهای برخورداری از سطوح نامناسب مهارت‌های اجتماعی

^۱ Özokcu

^۲ Harji

^۳ Garrote

منجر به فقدان سلامت رفتاری و اجتماعی مناسب در دوران بزرگسالی خواهد شد (گرمارودی، ۱۳۸۵؛ سگرین،^۱ ۲۰۰۰؛ لاد،^۲ ۲۰۰۹).

مدرسه نخستین دستگامی است که مسئولیت انتقال دانش‌ها و معارف انباشته‌شده به دانش‌آموز را بر عهده دارد. در کنار برنامه‌های آموزشی رسمی، چیزی که بعضی جامعه‌شناسان آن را برنامه‌های آموزشی پنهان نامیده‌اند وجود دارد که یادگیری دانش‌آموزان را مشروط می‌کند. از دانش‌آموزان انتظار می‌رود یاد بگیرند، در کلاس آرام باشند، مقررات انضباطی مدرسه را رعایت کنند، اقتدار معلم را بپذیرند، واکنش‌های معلمان بر انتظاراتی که کودکان از خودشان دارند تاثیر می‌گذارد (گیدنز،^۳ ترجمه صبوری، ۱۳۹۲). اساسا، پرورش و رشد تمامی جنبه‌های شخصیت فرد، اساس فلسفه تعلیم و تربیت امروز است. به این صورت که برای داشتن انسانی سالم، خلاق و مفید در جامعه لازم و ضروری است که همگام با توسعه قوای فکری و عقلی فرد، قوای اجتماعی و عاطفی او هم پرورش یابد. یکی از مهمترین عوامل سازگاری شخص با محیط مهارت‌های اجتماعی اوست. پژوهش‌های انجام شده در زمینه مهارت اجتماعی حاکی از آن است که متغیر ذکر شده، در دانش‌آموزان اندک و یا در حد متوسطی است (شریفی و اسلامیه، ۱۳۹۱) و از آنجا که این سازه شخصیتی نقش مهمی در زندگی دانش‌آموزان و به طور کلی در یادگیری، انتخاب شغل و بیماری‌های روانی دارد، ضرورت پرداختن به چنین مسئله‌ای در رفع نگرانی‌ها و ساختن شخصیتی سالم و بروز رفتارهایی درست و مناسب در هنگام رویارویی با موقعیتهای مبهم با آموزشهای کاربردی حل مسئله به صورت گروهی برای دانش‌آموزان به عنوان عنصر مهم آینده ساز، بسیار ضروری به نظر می‌رسد. به طوریکه محققان اذعان داشته‌اند که مهارت‌های اجتماعی از ضروری‌ترین مهارت‌ها جهت ایجاد تعامل مثبت با دیگران است (اوزوکو، ۲۰۱۷).

با استناد به گفته‌های محققان، برنامه آموزش فلسفه که توسط متیو لیپمن^۴ فیلسوف آمریکایی با هدف بالا بردن سطح انواع مهارت‌ها در کودکان و نوجوانان بنیانگذاری شده است، روش بسیار مناسبی در جهت بهبود نیازهای دانش‌آموزان در حوزه‌های شناختی، عاطفی و روانی است (کاریکو،^۵ ۲۰۱۶) و نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که آموزش فلسفه نتایج مثبتی همچون پیشرفت دانش‌آموزان در آزمون‌های مدرسه، احترام و اعتماد به نفس به منزله متفکر و یادگیرنده، سیالی و کیفیت بالای سؤالات دانش‌آموزان، کیفیت تفکرات خلاق و استدلال کلامی، توانایی گوش دادن به

^۱ Segreen

^۲ Ladd

^۳ Gidnes

^۴ Matthew Lipman

^۵ Karikó

دیگران و اشتغال در بحث‌های کلاسی را دارا است (فیشر،^۱ ترجمه صفایی مقدم و نجاریان، ۱۳۹۰) و در بهبود توانایی استدلال، پرورش خلاقیت، پرورش تفکر انتقادی، پرورش درک اخلاقی و ارزش‌های هنری، پرورش شهروندی و رشد مهارت‌های میان‌فردی و برون‌فردی (اجتماعی) تاثیرگذار می‌باشد (ورلی،^۲ ۲۰۱۶). بسیاری از محققان، به ضرورت آموزش فلسفه به کودکان تاکید ورزیده‌اند (کاریکو، ۲۰۱۶؛ دی‌اولیمپو و تسچرز،^۳ ۲۰۱۶). از دیگر مزایای برگزاری کلاس‌های آموزش فلسفه آن است که در این کلاس‌ها از گفتمان، مذاکره، بارش مغزی، انتقاد و استدلال برای دست یافتن به مهارت‌های ادراکی و قضاوت‌های منطقی در یادگیرندگان استفاده می‌شود (عباسی، ۲۰۱۷). اساساً، روش کار در رویکرد کار آموزش فلسفه به کودکان و نوجوانان، به روش حلقه کندوکاو (اجتماع پژوهشی) است. آموزش فلسفه دیدگاهی به آموزش دارد که مبتنی بر گفتگو و ژرف‌اندیشی است، به همین دلیل مجالی به فرد می‌بخشد تا مسائل اجتماعی را به جای زورگویی با استدلال حل کند. در حلقه کندوکاو فلسفی، فضای آموزشی جایی برای تحقیق درباره سوالات ذهنی دانش‌آموزان و بیان آراء و عقاید، همراه با آزمون اندیشه‌ها و باورها می‌باشد. در چنین فضایی، آموزگار به جای آنکه دانای کل باشد، تسهیلگر یادگیری و رشد فکری دانش‌آموز است و هر ایده‌ای می‌تواند افراد را در دستیابی به پاسخ‌های قابل اکتشاف راهنمایی کند (هدایتی و ماهزاده، ۱۳۹۴).

با توجه به مزایا، ویژگی‌ها و ضرورت‌هایی که پیرامون آموزش فلسفه مطرح شد و توجه به این نکته مهم که با تمام تاکیداتی که برای آموزش فلسفه شده است، تاثیر این نوع آموزش بر مهارت‌های اجتماعی ضروری است و براین اساس، این پژوهش درصدد پاسخ به این سوال است که آموزش فلسفه تا چه اندازه بر مهارت‌های اجتماعی تاثیر دارد؟

روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها به صورت نیمه آزمایشی، از نوع پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل است. جامعه آماری این پژوهش را تمامی دانش‌آموزان دوره اول متوسطه منطقه ۳ تهران در نیمسال اول ۱۳۹۷-۹۸ تشکیل می‌دهند ($N=6500$). برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی استفاده شده است. بدین صورت که از منطقه سه تهران دو مدرسه متوسطه انتخاب شد (به دلیل اثر تداخل متغیر آزمایش، دو مدرسه جداگانه در نظر گرفته شد تا اثر تداخل متغیر آزمایش به وجود نیاید) و سپس تعداد ۳۰ نفر از دانش‌آموزان کلاس

^۱ Fisher

^۲ Worley

^۳ D'Olimpio & Teschers

دوره اول متوسطه این دو مدرسه به صورت خوشه‌ای انتخاب و در پژوهش شرکت داده شدند. پس از انتخاب نمونه و گمارش تصادفی دانش‌آموزان در گروه آزمایش و کنترل، برای آزمودنی‌های گروه آزمایش، جلسات آموزش فلسفه برگزار شد. لازم به ذکر است که معیارها و ملاک‌های ورود و خروج، سن و پایه تحصیلی دانش‌آموزان بود. ابزار جمع‌آوری داده‌ها به شرح زیر بوده است:

۱- پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی: برای بررسی مهارت‌های اجتماعی از پرسشنامه ماتسون^۱ (۱۹۸۳) استفاده شده است. این پرسشنامه که برای سنجش مهارت‌های اجتماعی افراد ۴ تا ۱۸ سال تدوین گردیده است، دارای ۵۶ سوال بوده و هدف آن سنجش مهارت‌های اجتماعی از ابعاد مختلف (مهارت‌های اجتماعی مناسب، رفتارهای غیراجتماعی، پرخاشگری و رفتارهای تکانشی، برتری طلبی و اطمینان زیاد به خود داشتن، رابطه با همسالان) است. این پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرت می‌باشد. دامنه نمرات این ابزار بین ۵۶ تا ۲۸۰ امتیاز است. در ایران، یوسفی و خیر، ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی را در سال ۱۳۸۱ برابر با ۰/۸۶ گزارش کرده‌اند. اعتبار این پرسشنامه در تحقیق بیابانگرد در سال ۱۳۸۴ برابر با ۰/۸۳ گزارش شده است. در مطالعه شامحمدی (۱۳۹۳) ضریب کلی پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی ماتسون برابر با ۰/۸۳ و برای هر بعد به شرح زیر گزارش داده شده است: مهارت‌های اجتماعی مناسب برابر با ۰/۷۴، رفتارهای غیراجتماعی برابر با ۰/۷۱، پرخاشگری و رفتارهای تکانشی برابر با ۰/۷۱، برتری طلبی و اطمینان زیاد به خود داشتن برابر با ۰/۷۲، رابطه با همسالان برابر با ۰/۷۴. در این پژوهش پایایی پرسشنامه ۰/۸۵ به دست آمد.

۲- برگزاری دوره آموزشی فلسفه برای کودکان برای گروه آزمایش: آموزش فلسفه به مدت ۱۳ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای، برای گروه آزمایش اجرا شد. لازم به ذکر است که دوره آموزشی فوق برگرفته از روش آموزش فلسفه بر اساس کتاب «طرح درس‌های فلسفه برای کودکان؛ مناسب کلاس‌های تفکر و پژوهش و تفکر و سبک زندگی» نوشته مایکل باروز^۲ و ترجمه مرتضی براتی (۱۳۹۵) می‌باشد (برگزاری دوره آموزشی در دو ماه انجام شد) و شرح این دوره به صورت جدول ۱ است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش توصیفی از شاخص‌های مرکزی و پراکندگی و در بخش استنباطی از تحلیل کوواریانس استفاده شده است.

جدول ۱: شرح برگزاری دوره آموزشی فلسفه برای گروه آزمایش

جلسه	خلاصه جلسات
------	-------------

^۱ Strauss

^۲ Michael Barouz

معرفی افراد، قوانین و هدف برگزاری دوره آموزشی و اجرای پیش آزمون	۱
فلسفه چیست؟	۲
رهبری (تمیز دادن انواع رهبری)	۳
اخلاق (چه چیزی باعث درستی یا نادرستی یک عمل می‌شود؟)	۴
عدالت (برابری اقتصادی چه نقشی در عدالت دارد؟)	۵
آزادی و نظریه‌های قرارداد اجتماعی (چه کسی می‌تواند آزادی شما را محدود کند؟)	۶
عدالت (عدالت سیاسی چیست؟)	۷
دوستی (شناسایی صفات/جنبه‌های یک دوستی/دوستی خوب)	۸
تبعیض (جواز اخلاقی تصورات قالبی)	۹
آزادی (آیا می‌توانید آزادانه راه ارتباط خود را با دنیا انتخاب کنید؟)	۱۰
رهبری (چه چیزی رهبر خوب را می‌سازد؟)	۱۱
معرفت شناسی (از کجا می‌دانید که چه می‌دانید؟)	۱۲
اجرای پس‌آزمون	۱۸

یافته‌ها

جدول ۲: نتایج ضریب کجی و کشیدگی

مقادیر	شاخص	متغیر
.۶۶۸	کجی	مهارت‌های اجتماعی مناسب
-.۲۵۰	کشیدگی	
.۳۶۷	کجی	رفتارهای غیراجتماعی
-.۴۶۸	کشیدگی	
.۴۸۵	کجی	پرخاشگری و رفتارهای تکانشی
-.۹۲۹	کشیدگی	
.۱۱۶	کجی	برتری طلبی و اطمینان زیاد به خود داشتن
-۱,۲۲۵	کشیدگی	
.۲۳۲	کجی	رابطه با همسالان
-.۶۰۹	کشیدگی	
.۶۳۳	کجی	مهارت‌های اجتماعی
-.۳۳۵	کشیدگی	

با توجه به نتایج حاصل از جدول ۲ ضرایب کجی و کشیدگی به دست آمده در بازه بین ۲- و ۲+ قرار دارد و با اطمینان می توان بیان داشت که داده های پژوهش از ویژگی نرمال بودن تبعیت می کنند و از آزمون تحلیل کوواریانس می توان برای تحلیل فرضیه های پژوهش استفاده نمود.

جدول ۳: نتایج آزمون های کولموگروف اسمیرنوف و شاپیروویلیک

آزمون کولموگروف اسمیرنوف		آزمون شاپیروویلیک		متغیر
Sig	SH-W	Sig	K-S	
.۱۶۹	.۹۳۲	.۱۰۷	.۱۱۳	مهارت های اجتماعی مناسب
.۰۹۳	.۹۷۰	.۲۰۰	.۱۰۲	رفتار های غیر اجتماعی
.۱۶۰	.۹۳۱	.۱۰۱	.۱۱۲	پرخاشگری و رفتار های تکانشی
.۱۳۷	.۹۴۵	.۰۵۷	.۰۶۹	برتری طلبی و اطمینان زیاد به خود داشتن
.۰۹۱	.۹۷۷	.۲۰۰	.۳۱۹	رابطه با همسالان
.۱۷۸	.۹۳۸	.۱۱۹	.۰۵۵	مهارت های اجتماعی

با توجه به نتایج حاصل از جدول ۳ نتایج حاصل از دو آزمون کولموگروف اسمیرنوف و شاپیروویلیک نشان می دهد که سطح معنی داری های به دست آمده در متغیر مهارت های اجتماعی بزرگتر از ۰/۰۱ است و با اطمینان می توان بیان داشت که داده های پژوهش از ویژگی نرمال بودن تبعیت می کنند و از آزمون تحلیل کوواریانس می توان برای تحلیل فرضیه های پژوهش استفاده نمود.

جدول ۴: نتایج آزمون «لون»

متغیر	آماره لون	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معناداری
مهارت های اجتماعی مناسب	۱,۰۱۹	۱	۲۸	.۳۹۱
رفتار های غیر اجتماعی	۱,۷۸۲	۱	۲۸	.۰۵۹
پرخاشگری و رفتار های تکانشی	۱,۲۱۳	۱	۲۸	.۳۱۳
برتری طلبی و اطمینان زیاد به خود داشتن	۱,۳۱۷	۱	۲۸	.۰۵۶
رابطه با همسالان	۱,۳۵۲	۱	۲۸	.۲۶۷
مهارت های اجتماعی	.۷۸۷	۱	۲۸	.۵۰۶

با توجه به نتایج حاصل از جدول ۴ نتایج آزمون «لون» نشان می دهد که سطح معنی داری های به دست آمده در متغیر مهارت های اجتماعی بزرگتر از ۰/۰۱ است و با اطمینان می توان بیان داشت

واریانس گروه‌ها از تجانس برخوردار است و فرض صفر در آزمون «لون» که عبارت از آن است که واریانس دو گروه دارای تجانس است، مورد تایید قرار می‌گیرد و با توجه به اینکه فرض همگنی واریانس‌ها رعایت شده است، از آزمون تحلیل کوواریانس می‌توان برای تحلیل فرضیه‌های پژوهش استفاده نمود.

جدول ۵: نتایج آزمون ام‌باکس مبنی بر همسانی ماتریس‌های واریانس - کوواریانس

سطح معناداری	آماره F آزمون	آماره آزمون ام‌باکس
.۱۹۶	۱,۰۴۱	۴۰,۷۴۹

با توجه به نتایج حاصل از جدول ۵ سطح معناداری آزمون ام‌باکس برابر با ۴۰/۷۴۹ می‌باشد. از آنجایی که این مقدار، بزرگتر از سطح معناداری (۰/۰۱) مورد نیاز برای رد فرض صفر می‌باشد، فرض صفر ما مبنی بر همسانی ماتریس کوواریانس‌ها مورد تایید قرار می‌گیرد. بدین ترتیب مفروضه همسانی ماتریس کوواریانس‌ها، به عنوان یک از مفروضات آزمون تحلیل کوواریانس چند متغیری برقرار می‌باشد.

جدول ۶: نتایج همگنی شیب خط رگرسیونی

متغیر	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	Df	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معناداری	مجذور اتا (اندازه اثر)	توان آماری
مهارت‌های اجتماعی	گروه*پیش‌آزمون	۳۴۰۷۴	۲	۱۷۰۳۷	۳۷,۱۸۳	.۰۰۰	.۷۳۴	۱
	خطا	۲۹۴۲,۷ ۱	۲۷	۱۰۸,۹۸۹	-	-	-	-
	کل	۱۹۳۹۱۷	۳۰	-	-	-	-	-

**P<۰/۰۰۱

با توجه به نتایج حاصل از جدول ۶ اثر تعامل گروه (مستقل)*پیش‌آزمون (همپراش) برای مهارت‌های اجتماعی برابر با ۰/۷۳۴ است که مقدار به دست آمده بزرگتر از ۰/۰۱ می‌باشد، بنابراین فرضیه همگنی شیب‌های رگرسیونی مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

جدول ۷: نتایج تحلیل کوواریانس در نمرات پیش و پس آزمون

متغیر	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	Df	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معناداری	مجذور اتا (اندازه اثر)	توان آماری
-------	--------------	---------------	----	-----------------	---------	--------------	------------------------	------------

۱	.۹۹۱	.۰۰۰	۶۵۰۳,۴	۲۰۸۳۸۸	۱	۲۰۸۳۸۸	پیش‌آزمون	مهارت‌های اجتماعی مناسب
۱	.۷۵۸	.۰۰۰	۵۸,۳۵۲	۱۸۶۹,۷۷۸	۱	۵۶۰۹,۳ ۳	اثر گروه	
-	-	-	-	۳۲,۰۴۳	۲۸	۱۷۹۴,۴ ۰	خطا	
-	-	-	-	-	۳۰	۲۱۵۷۹۲	کل	
۱	.۹۸۴	.۰۰۰	۳۴۲۷,۴ ۷	۷۷۶۱۶	۱	۷۷۶۱۶	پیش‌آزمون	رفتارهای غیراجتماعی
۱	.۵۸۴	.۰۰۰	۲۶,۱۹۸	۵۹۳,۲۶۷	۱	۱۷۷۹,۸ ۰	اثر گروه	
-	-	-	-	۲۲,۶۴۵	۲۸	۱۲۶۸,۱ ۳	خطا	
-	-	-	-	-	۳۰	۸۰۶۶۴	کل	
۱	.۹۸۰	.۰۰۰	۲۷۶۸,۵ ۰	۹۰۷۱۴,۸	۱	۹۰۷۱۴, ۸	پیش‌آزمون	پرخاشگری و رفتارهای تکانشی
۱	.۶۱۰	.۰۰۰	۲۹,۲۲۹	۹۵۷,۷۵۰	۱	۲۸۷۳,۲ ۵	اثر گروه	
-	-	-	-	۳۲,۷۶۷	۲۸	۱۸۳۴,۹ ۳	خطا	
-	-	-	-	-	۳۰	۹۵۴۲۳	کل	
۱	.۹۶۵	.۰۰۰	۱۵۵۳,۲ ۸	۲۲۵۰۴	۱	۲۲۵۰۴	پیش‌آزمون	برتری طلبی و اطمینان زیاد به خود داشتن
۱	.۴۱۵	.۰۰۰	۱۳,۲۶۶	۱۹۲,۲۰۰	۱	۵۷۶,۶۰ ۰	اثر گروه	
-	-	-	-	۱۴,۴۸۸	۲۸	۸۱۱,۳۳ ۳	خطا	
-	-	-	-	-	۳۰	۲۳۸۹۲	کل	
۱	.۹۸۱	.۰۰۰	۲۸۱۶,۲ ۷	۵۷۱۰۳,۳	۱	۵۷۱۰۳, ۳	پیش‌آزمون	رابطه با همسالان
۱	.۵۲۷	.۰۰۰	۲۰,۷۸۳	۴۲۱,۳۹۴	۱	۱۲۶۴,۱ ۸	اثر گروه	
-	-	-	-	۲۰,۲۷۶	۲۸	۱۱۳۵,۴ ۶	خطا	
-	-	-	-	-	۳۰	۵۹۵۰۳	کل	
۱	.۹۹۱	.۰۰۰	۶۴۵۲,۲ ۷	۲۰۳۱۳۶	۱	۲۰۳۱۳۶	پیش‌آزمون	مهارت‌های اجتماعی
۱	.۷۵۰	.۰۰۰	۵۶,۱۱۱	۱۷۶۶۵,۲۰	۱	۵۲۹۹۵, ۶	اثر گروه	
-	-	-	-	۳۱۴,۸۲۹	۲۸	۱۷۶۳۰, ۴	خطا	
-	-	-	-	-	۳۰	۲۱۰۱۹۸	کل	

** $P < 0/01$

با توجه به نتایج حاصل از جدول ۷ گروه آزمایش پس از آموزش فلسفه تفاوت معنی‌داری در نمرات مهارت‌های اجتماعی در مقایسه با گروه کنترل کسب کردند (به ترتیب $P < 0/01$ و $F=۵۶/۱۱۱$ ، $F=۲۰/۷۸۳$ ، $F=۱۳/۲۶۶$ ، $F=۲۹/۲۲۹$ ، $F=۲۶/۱۹۸$ ، $F=۵۸/۳۵۲$). بنابراین آموزش فلسفه بر مهارت‌های اجتماعی در دانش‌آموزان دوره اول متوسطه تاثیر داشته و با توجه به مجذور

اتا می توان گفت که میزان اثر آموزش حل فلسفه بر بهبود مهارت های اجتماعی در دانش آموزان مورد مطالعه ۷۵ می باشد و میزان اثر آموزش فلسفه بر هر یک از متغیرهای مهارت های اجتماعی نیز به صورت زیر است:

۱- میزان اثر آموزش فلسفه بر بهبود مهارت های اجتماعی مناسب در دانش آموزان دوره اول متوسطه تحت مطالعه ۷۵/۸ می باشد.

۲- میزان اثر آموزش فلسفه بر بهبود رفتارهای غیراجتماعی در دانش آموزان دوره اول متوسطه تحت مطالعه ۵۸/۴ می باشد.

۳- میزان اثر آموزش فلسفه بر بهبود پرخاشگری و رفتارهای تکانشی در دانش آموزان دوره اول متوسطه تحت مطالعه ۶۱ می باشد.

۴- میزان اثر آموزش فلسفه بر بهبود برتری طلبی و اطمینان زیاد به خود داشتن در دانش آموزان دوره اول متوسطه تحت مطالعه ۴۱/۵ می باشد.

۵- میزان اثر آموزش فلسفه بر بهبود رابطه با همسالان در دانش آموزان دوره اول متوسطه تحت مطالعه ۵۲/۷ می باشد.

نتیجه گیری و پیشنهادها

نتایج به دست آمده نشان داد که گروه آزمایش پس از آموزش فلسفه تفاوت معنی داری در نمرات مهارت های اجتماعی در مقایسه با گروه کنترل کسب کردند ($P < 0/01$). بنابراین آموزش فلسفه بر مهارت های اجتماعی در دانش آموزان دوره اول متوسطه تاثیر داشته است. با توجه به مجذور اتا میزان اثر آموزش حل فلسفه بر بهبود مهارت های اجتماعی در دانش آموزان مورد مطالعه ۷۵ می باشد.

در تبیین یافته فوق می توان اینگونه اظهار داشت که اساسا برنامه آموزش فلسفه، روشی تعاملی است که در آن، معلم نقش هدایتگر را بر عهده دارد و دانش آموزان، به عنوان افرادی متفکر سعی در شرکت جستن در گفتگوها و تعاملات با یکدیگر را دارند. همین امر (مشارکت جستن) سبب می شود تا مهارت های اجتماعی در دانش آموز تقویت شود و وی بتواند با دیگران ارتباط برقرار نماید، بر رفتار خود در موقعیت های مختلف کنترل داشته باشد، توانایی خود در یادگیری با دیگران و از طریق دیگران را افزایش دهد. طبق نتایج، میزان اثر آموزش فلسفه بر بهبود مهارت های اجتماعی مناسب در دانش آموزان دوره اول متوسطه تحت مطالعه ۷۵/۸ می باشد. که این مقدار، در سطح بالایی است و می توان اذعان داشت که برنامه آموزش فلسفه، روش بسیار مناسبی برای بهبود مهارت های اجتماعی در افراد و به ویژه در دانش آموزان دوره اول متوسطه است. همسو با نتیجه به

دست آمده می‌توان به پژوهش تنها و احمدی (۱۳۹۶) اشاره کرد که طی مطالعه خود نشان دادند برنامه فلسفه برای کودک موجب رشد فردی و میان فردی در افراد می‌گردد، همچنین قبایان (۱۳۹۴) که نقش برنامه آموزش فلسفه برای کودکان بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان شهر خرم آباد را پرتاثیر نشان داده است و نیز ورلی (۲۰۱۶) که به این نتیجه دست یافت که برنامه آموزش فلسفه برای کودکان می‌تواند در جهت بهبود و رشد مهارت‌های میان فردی و برن فردی (اجتماعی) بسیار موثر باشد. طبق نتایج، میزان اثر آموزش فلسفه بر بهبود رفتارهای غیراجتماعی که عاملی مهم در فاصله گرفتن دیگران از فرد است، در دانش‌آموزان دوره اول متوسطه تحت مطالعه ۵۸/۴ می‌باشد و نشان می‌دهد که آموزش فلسفه، شیوه تعارضات بین افراد را کاهش داده و منجر می‌شود تا فرد در رفتارهای خود تجدیدنظر کرده و مانع از بروز رفتارهای ضد اجتماعی گردد و ارزش‌های اخلاقی را در خود نهادینه سازد. طبق نتایج، میزان اثر آموزش فلسفه بر بهبود پرخاشگری و رفتارهای تکانشی در دانش‌آموزان دوره اول متوسطه تحت مطالعه ۶۱ می‌باشد که این یافته با نتایج مطالعه طبری (۱۳۹۶) که در بررسی تاثیر برنامه آموزش «فلسفه و کودک» بر روحیه پرسشگری و مهار خشم دانش‌آموزان شهر، به نتایج مثبت آموزش فلسفه به مهار خشم در آنها اذعان داشته است، همسو می‌باشد. طبق نتایج، میزان اثر آموزش فلسفه بر بهبود برتری طلبی و اطمینان زیاد به خود داشتن در دانش‌آموزان دوره اول متوسطه تحت مطالعه ۴۱/۵ می‌باشد. بدان معنی که دانش‌آموزان در طی دریافت آموزش فلسفه، می‌آموزند که عزت‌نفس خود را بهبود داده و در مواقع بحرانی بر احساسات خود کنترل داشته باشند که این یافته با مطالعه الماسی حسینی (۱۳۹۱) که نشان داد اجرای برنامه آموزش تفکر می‌تواند بر ارتقای عزت‌نفس و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان شهرستان دورود تاثیر معناداری بگذارد، همسو است. طبق نتایج، میزان اثر آموزش فلسفه بر بهبود رابطه با همسالان در دانش‌آموزان دوره اول متوسطه تحت مطالعه ۵۲/۷ می‌باشد بدان معنی که دانش‌آموزان با آموزش فلسفه، در رفتارهای اجتماعی، سازگاری و تعادل از خود نشان می‌دهند که این یافته با نتایج مطالعات تاپینگ و تریکی (۲۰۱۴) که نشان دادند با آموزش فلسفه، جنبه‌های اجتماعی - احساسی یادگیری و توانایی گفتگو در دانش‌آموزان اسکاتلندی بهبود یافته است، همسو بوده و مورد حمایت قرار می‌گیرد.

این پژوهش به نتیجه مثبتی برای اثربخش بودن آموزش فلسفه بر مهارت‌های اجتماعی در دانش‌آموزان دوره اول متوسطه دست یافت؛ نتایج نشان داد که آموزش فلسفه بر مهارت‌های اجتماعی در دانش‌آموزان دوره اول متوسطه تاثیر مثبتی داشته است. پس می‌توان از روش آموزش فلسفه که در نظام آموزشی کشور رویکردی جدید و در عین حال متحولانه در جهت تحولات

جدید سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است، اما نظام آموزشی برای آموزش فلسفه به یادگیرندگان خود تا حدی مقاومت می‌کند، برای بهبود بخشیدن به مهارت‌های اجتماعی که هدف از کسب آن شکوفایی ذهنی، لذت معنوی و سعادت است، استفاده کرد و روش آموزش فلسفه را راهکاری مفید در نظام آموزشی کشور دانست.

منابع

- الماسی حسینی، صمد (۱۳۹۱). تاثیر آموزش فلسفه برای کودکان بر رشد مهارت‌های اجتماعی و عزت‌نفس دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- باروز، مایکل (۲۰۰۰). طرح درسهای فلسفه برای کودکان؛ مناسب کلاسهای تفکر و پژوهش و تفکر و سبک زندگی. ترجمه مرتضی براتی، ۱۳۹۵. تهران: شهرتاش.
- به‌پژوه، احمد؛ خانجانی، مهدی؛ حیدری، محمود؛ شکوهی یکتا، محسن (۱۳۸۶). آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت‌نفس نابینایان. پژوهش در سلامت روان. ۱، ۳، ۱۳۶-۱۲۳.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۴). رابطه میان عزت‌نفس، انگیزه پیشرفت و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های تهران. مطالعات روانشناختی. ۱، ۴، ۱۴۴-۱۳۱.
- تنها، حدیثه، احمدی، حسین (۱۳۹۶). واکاوی برنامه فلسفه برای کودک: تاکید بر عناصر برنامه درسی اهداف، اصول، محتوا، روش تدریس، معلم، دانش آموز. سومین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی.
- شریفی، اصغر؛ اسلامی، فاطمه (۱۳۹۱). میزان برخورداری دانشجویان هزاره سوم از مهارت‌های اجتماعی. مقالات همایش بین‌المللی علوم تربیتی. تهران.
- طبری، مهدیه؛ خالق خواه، علی؛ مردای، مسعود؛ زاهد بابلان، عادل (۱۳۹۶). بررسی تاثیر برنامه آموزش «فلسفه و کودک» بر روحیه پرسشگری و مهارت‌های دانش‌آموزان در دانش‌آموزان پایه چهارم ابتدایی شهر بابل. فلسفه و کودک. ۱۵، ۱۰۳.
- فیشر، رابرت (۲۰۰۵). آموزش تفکر به کودکان. ترجمه مسعود صفایی مقدم و افسانه نجاریان، ۱۳۹۰. اهواز: انتشارات رسش.
- قبادیان، مسلم (۱۳۹۴). تاثیر برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی. نشریه پژوهش‌های تربیتی. ۲، ۳۰، ۱۴۹-۱۳۸.
- گرمارودی، غلامرضا (۱۳۸۵). سلامت اجتماعی: بررسی میزان مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان. پایش. ۵، ۲، ۱۴۷-۱۴۱.

گیدنز، آنتونی (۱۹۶۹). جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری (۱۳۹۲). تهران: انتشارات نی.
هارجی، آ (۱۹۹۴). مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی. ترجمه خشایار بیگی، ۱۳۹۲. تهران:
رشد.

هدایتی، مهرنوش؛ ماهزاده، حامد (۱۳۹۵). «فلسفه برای کودکان» و مهارت حل مسئله اجتماعی.
مجله علوم تربیتی. ۲۳، ۱، ۲۹-۵۴.

یوسفی، فریده؛ خیر، محمد (۱۳۸۱). بررسی پایایی و روایی مقیاس سنجش مهارت‌های اجتماعی
ماتسون و مقایسه عملکرد دختران و پسران دبیرستانی در این مقیاس، فصلنامه علوم اجتماعی
و انسانی دانشگاه شیراز. ۱۸، ۲، ۱۴۷-۱۵۸.

- Abbasi, M., Zabih, P., Sarmadi, M.R., & Taghvaei, D. (۲۰۱۷). The Effectiveness of Philosophy Education Program for children on Critical Thinking and its Components in Female Students. *Iranian journal of educational Sociology*, ۱, ۴, ۹۶-۱۰۳.
- D'Olimpio, L., & Teschers, Ch. (۲۰۱۶). Philosophy for Children Meets the Art of Living: A Holistic Approach to an Education for Life, *Philosophical Inquiry in Education*, ۲۳, ۲, ۱۱۴-۱۲۴.
- Garrote, A. (۲۰۱۷). The Relationship between Social Participation and Social Skills of Pupils with an Intellectual Disability: A Study in Inclusive Classrooms. *Frontline Learning Research*, ۵, ۱, ۱-۱۵.
- Karikó, S. (۲۰۱۶). The New Responsibility and Challenge of Education: The Current and Prospective Situation of Philosophy for Children, *Practice and Theory in Systems of Education*, ۱۱, ۲, ۱۰۵-۱۱۷.
- Ladd, G.W. (۲۰۰۹). Having friends, keeping friends, making friends, and being liked by peers in the classroom; predictors of children's early school adjustment? *Child Development*, ۶۱, ۱۰۸۱-۱۱۰۰.
- Özokcu, O., Akçamete, G., & Özyürek, M. (۲۰۱۷). Examining the Effectiveness of Direct Instruction on the Acquisition of Social Skills of Mentally Retarded Students in Regular Classroom Settings. *Journal of Education and Training Studies*, ۵, ۴, ۲۱۴-۲۲۶.
- Segrin, C., & Flora, J. (۲۰۰۰). Poor social skills are a vulnerability factor in the development of psychosocial problems. *Human Communication Research*, ۲۶: ۴۸۹-۵۱۴.
- Topping, K.J., & Trickey, S. (۲۰۱۴). The role of dialog in philosophy for children. *International Journal of Educational Research*, ۶۳, ۶۹-۷۸.
- Worley, P. (۲۰۱۶). Philosophy and children. *The Philosophers' Magazine*, ۷۲, ۱۱۹-۱۲۰.

The Effect of Philosophy Education on Social Skills in secondary school students

Parinaz Banisi
Dr. Hasan Shams Esfandabad
Dr. Susan Emamipour

Abstract

The purpose of this study was to determine the effect of teaching philosophy on social skills in high school students. The present study was applied in terms of purpose and in terms of data collection method, it was a semi-experimental, pre-test and post-test with control group. The statistical population consisted of all students of the first grade secondary school in District ۳ of Tehran during the first semester of the academic year (۲۰۱۷-۱۸) (N=۶۰۰). The sample size was ۳۰ people. A cluster sampling method was used for sampling. The data collection instrument was Matsun Social Skills Questionnaire (۱۹۸۳) has ۵۶ questions, and the dimensions of social skills, unsustainable behaviors, aggression and impulsive behaviors, superiority and high confidence Having a relationship with peers and holding a philosophy course For children, the group was tested for ۱۳ sessions of ۶۰ minutes based on "Lessons of Philosophy for Children" Michael Barrow. Covariance analysis was used to analyze the data. The results showed that teaching philosophy on social skills in first-grade students is influential. It improves the level of social skills with the effect size of ۷۰.

Key words: Philosophy teaching, social skills.